

خسارت تأخیر تأدیه پول خارجی

خسارت تأخیر تأدیه از جمله خساراتی است که خواهان میتواند در دعاوی حقوقی که موضوع آن وجه نقد باشد از خواننده مطالبه نماید و ماده ۷۱۹ قانون آئین دادرسی مدنی آنرا تجویز نموده است.

وجه نقد مذکور در ماده مرقوم از دو نقطه نظر قابل بررسی و مطالعه است یکی از نظر منشأ و سبب پیدایش حق برای خواهان و دیگری نوع پولی که میتواند مطالبه کند.

منشأ و سبب پیدایش حق گاهی عقد و قرارداد و زمانی شبه عقد یا جرم یا شبه جرم است. مسئولیت ناشی از عقد و قرارداد را مسئولیت اختیاری و مسئولیت ناشی از شبه عقد و جرم و شبه جرم را مسئولیت قهری مینامند و قانون مدنی تحت عنوان الزامات بدون قرارداد، این نوع ضمانات قهری را احصاء نموده است. ماده ۷۱۹ قانون آئین دادرسی مدنی وجه نقد موضوع دعوی را که خسارت دیرکرد به آن تعلق میگیرد شامل معاملات با حق استرداد یا سایر معاملات استقراضی یا غیر معاملات استقراضی شناخته و ماده ۲۸ قانون مدنی هم مقرر داشته که اگر موضوع تعهد وجه نقد باشد مدیون به جبران خسارات حاصله از تأخیر در تأدیه دین محکوم میشود. بنابراین وجه نقد موضوع دعوی یا وجه نقد موضوع تعهد به موجب مادتين مرقوم باید از عقد و قرارداد ناشی شده باشد و به عبارت دیگر دین باید تحقق یافته و تعهد ذمه‌آوری بر عهده یکی از طرفین باشد تا تأخیر در ادای آن موجب مطالبه خسارت دیرکرد شود مثل اینکه در عقد بیع ذمه خریدار به پرداخت ثمن معامله در مقابل فروشنده مشغول میگردد یا در معاملات با حق استرداد و معاملات استقراضی مدیون باید دین خود را تأدیه کند و تأخیر در ادای دین مجوز مطالبه

زیان دیرکرد میشود.

اما در مواردی که مسئولیت ناشی از شبه عقد یا جرم یا شبه جرم باشد کسی که مسئول شناخته شود ملزم به جبران ضرر و خسارت وارده به زیان دیده است ولی این نوع مسئولیت که از الزامات قهری ناشی میشود با مسئولیت ناشی از عقد قرارداد تفاوت دارد و به خسارت ناشی از الزامات قهری عنوان دین اطلاق نمی‌گردد. بنابراین وجه نقد مذکور در ماده ۷۱۹، قانون آئین دادرسی مدنی به معنای تعهد ذمه‌آور یا دین خوانده و بدهی او به داین است و چنانچه خواسته دعوی اجرة المثل یا خسارت و امثال آن باشد هرچند که به صورت وجه نقد مطالبه میشود ولی چون عنوان دین را ندارد به موجب ماده ۷۲۷ قانون آئین دادرسی مدنی خسارت تأخیر تأدیه به آن تعلق نخواهد گرفت.

تفاوت دیگر وجه نقد ناشی از تعهدات ذمه‌آور با وجه نقد ناشی از ضمانات قهری در این است که اگر خواسته به عنوان دین خوانده و بدهی او مطالبه شده باشد دادگاه بر اساس دلایل و مستندات دعوی و با توجه به دفاع خوانده صحت و سقم ادعا را تشخیص و حکم مقتضی صادر مینماید اما اگر مطالبه خواسته از باب الزامات قهری باشد دادگاه باید دلایل دعوی را سنجیده و چنانچه ادعا را مقرون به صحت تشخیص دهد میزان خسارت را به وسیله کارشناس یا به هر طریق دیگر تعیین و سپس به صدور حکم مبادرت کند و به هر حال نمی‌تواند بدون تعیین میزان خسارت صرفاً بر مبنای خواسته حکم صادر نماید.

در قسمت دوم باید دید که وجه نقد مذکور در ماده ۷۱۹ قانون آئین دادرسی مدنی از نظر نوع آن به چه مفهومی استعمال شده است. وجه نقد اصولاً به معنای پول است و ماده ۸۷ قانون آئین دادرسی مدنی سابق در تعریف خواسته و ارزیابی آن، کلمه پول را به طور مطلق استعمال نموده بود و دادگاهها لفظ پول را به معنای اعم کلمه شامل پول رایج ایران و پول خارجی میدانستند ولی به موجب اصلاحاتی که در سال ۱۳۴۹ در قانون آئین دادرسی مدنی بعمل آمده ماده ۸۷ به این صورت اصلاح و تصویب گردید. «اگر خواسته پول رایج ایران باشد بهای آن عبارت است از مبلغ معین در دادخواست و اگر پول خارجی باشد ارزیابی به نرخ رسمی در تاریخ دادخواست بهای خواسته محسوب میشود».

باین ترتیب پول رایج ایران با پول خارجی تفاوت کلی دارد و ماده ۱۱ قانون بانکها و پولی کشور مصوب خردادماه ۱۳۳۹ ریال را واحد پول رایج کشور شناخته و وجه نقد مذکور در ماده ۷۱۹ قانون آئین دادرسی مدنی هم‌مبلفی است که به صورت ریال و به عنوان دین خوانده مطالبه شود.

اما اگر خواسته دعوی پول خارجی باشد باید به نرخ رسمی با پول رایج ایران ارزیابی و مانند هر کالای دیگر به ریال تقویم شود تا بهای خواسته و صلاحیت دادگاه و هزینه دادرسی بر مبنای آن تشخیص و تعیین گردد. در دعاوی که به خواسته مطالبه پول خارجی مانند دلار و مازک و لیره و امثال

آن اقامه میشود موضوع خسارت تأخیر تأدیه یکی از مسائلی است که نسبت به آن عقاید قضائی مختلف اظهار شده و به همین ترتیب احکام مغایری هم از مراجع قضائی صادر گردیده است.

کسانی که مطالبه خسارت تأخیر تأدیه را در مورد پول خارجی جایز میدانند چنین استدلال مینمایند که:

اولاً - پول خارجی مانند پول رایج کشور وجه نقد محسوب و ارز خارجی در تمام بانکها و صرافیها خرید و فروش میشود و ارزش و اعتبار آن از پول رایج ایران کمتر نیست.

ثانیاً - ماده ۲۵۲ قانون تجارت پرداخت پول برات را با نوع پولی که در آن معین شده مقرر داشته و ماده ۳۰۴ قانون تجارت مطالبه خسارت تأخیر تأدیه مبلغ اصلی برات را تجویز نموده و بنابراین اگر مستند دعوی برات یا هر نوع سندی به پول خارجی باشد دادگاه باید به همان نوع پول که در سند معین گردیده حکم صادر کند و خسارت تأخیر تأدیه آنرا هم معین نماید.

ثالثاً خسارت تأخیر تأدیه هم يك نوع خسارت دادرسی است و همانطور که خسارات دادرسی از هزینه تمیز و اوراق و حق الوکاله بر مبنای بهای خواسته تعیین میشود و مورد حکم قرار میگیرد، خسارت تأخیر تأدیه هم به همین ترتیب باید معین شود و رد درخواست خسارت دیرکرد در چنین موردی فاقد مجوز قانونی است. شعبه ۸ دادگاه استان مرکز بطفرداری از این عقیده در رأی شماره ۲۰۲/۴۲۴۲ خلاصه چنین نظر داده است:

«اعتراض راجع بخسارت تأخیر تأدیه موجه نیست زیرا موضوع دعوی مطالبه وجه برات و موضوعاً وجه نقد بوده و مطالبه خسارت تأخیر تأدیه با توجه بماده ۲۵۲ قانون تجارت و ماده ۷۱۹ قانون آئین دادرسی مدنی اشکالی نداشته و حکم خواسته در این قسمت تأیید میشود».

این رأی مورد اعتراض محکوم علیه بوده و دیوان عالی کشور اعتراض را مؤثر تشخیص نداده و حکم فرجامخواسته را ابرام نموده است.

کسانی که خسارت تأخیر تأدیه را در مورد پول خارجی جایز نمیدانند برای صحت نظر خود چنین استدلال مینمایند:

۱- وجه نقد بیول رایج کشور اطلاق میشود که بصورت مسکوک و اسکناس در معاملات عادی جریان دارد و پولهای غیر رایج مثل سکه طلا و پهلوی و اشرفی و پول خارجی از دلار و لیره و مارک و فرانک و غیره در حکم کالا بوده و بر مبنای ریال ارزیابی میشوند و بهای آنها متغیر است و وجه نقد محسوب نمی گردند و به همین جهت ماده ۷ اصلاحی قانون آئین دادرسی مدنی در تعیین بهای پول خارجی نرخ رسمی را ملاک عمل دانسته است در صورتیکه اگر خواسته دعوی پول رایج کشور باشد آنچه که مورد مطالبه واقع گردیده خواسته دعوی محسوب میشود.

۲- خرید و فروش و واگذاری هر نوع ارز خارجی طبق قانون مصوب ۱۳۳۶

در اختیار دولت میباشد و دولت بنا بر مقتضیات روز ترتیب معاملات ارزی و دستور انجام آنرا بیانک ملی میدهد و با پول خارجی نمیتوان معاملات عادی انجام داد.

۳- خسارات دادرسی بنا بر تعریف ماده ۷۱۷ قانون آئین دادرسی مدنی عبارت از خساراتی است که مستقیماً مربوط به دادرسی بوده و برای اثبات دعوی یا دفاع لازم باشد مثل بهای تمبر و اوراق و حق الوکاله وکیل و دستمزد کارشناس و هزینه تحقیقات محلی و امثال آن و خسارت تأخیر تأدیه موضوع فصل خاصی در قانون آئین دادرسی مدنی است و اختصاص به دعوی دادگستری هم ندارد و چنانچه بستانکار باستناد سند رسمی لازم الاجرا اقدام به صدور اجرائیه نماید میتواند خسارت تأخیر تأدیه را هم مطالبه کند و اجرا برای اصول آن از مدیون اقدام مینماید. با این ترتیب نمیتوان خسارت تأخیر تأدیه را در دعوی راجع به پول خارجی مانند خسارات دادرسی بر مبنای خواسته معین نمود. بعلاوه خواهان در دعوی مطالبه پول خارجی هزینه دادرسی را بهریال میپردازد و بعنوان خسارت مطالبه میکند ولی برای خسارت تأخیر تأدیه پول خارجی هزینه ای پرداخت نمی نماید تا بتواند آنرا بهریال مطالبه کند و مطالبه خسارت تأخیر تأدیه پول خارجی هم صحیح نیست.

۴- ماده ۲۵۲ قانون تجارت ناظر به پرداخت پول برات با نوع پولی است که در آن معین شده و این موضوع با خسارت تأخیر تأدیه ارتباطی پیدا نمیکند زیرا اگر وجه برات بهریال تعیین و به استناد آن اقامه دعوی شده باشد حکم دادگاه هم بهریال صادر و خسارت تأخیر تأدیه آنها طبق ماده ۷۱۹ قانون آئین دادرسی مدنی معین میشود اما اگر موضوع برات پول خارجی باشد حکم دادگاه بهمان نوع پول خارجی صادر میگردد و خسارت تأخیر تأدیه مورد نخواهد داشت.

۵- ماده ۳۰۴ قانون تجارت مبدأ خسارت تأخیر تأدیه مبلغ اصلی برات و خسارت تأخیر تأدیه برات رجوعی را تعیین نموده و کلمه مبلغ که در قانون تجارت در مبحث برات و فته طلب و غیره مکرر استعمال شده به معنای مقدار پول و ناظر به کمیت است ولی از نظر کیفیت به قرینه قسمت اخیر ماده مرقوم ظهور در پول رایج ایران دارد و شامل پول خارجی نمیشود.

به عبارت ساده تر میتوان گفت که در ماده ۳۰۴ قانون تجارت مبدأ دو نوع خسارت تأخیر تأدیه معین گردیده: یکی مبدأ خسارت تأخیر تأدیه مبلغ اصلی برات و دیگری مبدأ خسارات تأخیر تأدیه مخارج برات رجوعی و چون مخارج برات رجوعی از حق العمل دلال و صراف و هزینه پست و وجه تمبر به شرحی که در بند ۳ ماده ۳۰۰ قانون تجارت توصیف شده با پول رایج ایران پرداخت میشود لذا قانونگذار مبدأ تأخیر تأدیه این مخارج را که بهریال بوده تعیین نموده و قرینه منزبور معلوم است که قسمت اول ماده ۳۰۴ قانون تجارت هم در مقام همین مبدأ خسارت تأخیر تأدیه مبلغ اصلی براتی است که پرداخت آن به پول رایج ایران یعنی ریال باشد نه پول خارجی.

شعبه پنجم دیوان عالی کشور به طرفداری از این نظر قضائی قسمتی از رأی

شماره ۱۹۱/۴۶۲۱۰ ر ۴۶ شعبه ۱۱ دادگاه استان مرکز را در مورد خسارت تأدیه تعدادی برات که به دلار بایستی تأدیه شود نقض نموده و به خلاصه چنین اظهار نظر کرده است:

«اعتراض فرجامخواه راجع به خسارت تأخیر تأدیه وارد بنظر میرسد زیرا خواسته دعوی ارز خارجی (دلار) بوده که پول نقد رایج ایران نیست و ماده ۷۱۹ قانون آئین دادرسی مدنی ناظر به موردی است که خواسته وجه نقد یعنی پول رایج ایران باشد و در دعاوی که خواسته آن ارز خارجی باشد تأخیر تأدیه موضوع ماده ۷۱۹ قانون آئین دادرسی مدنی تعلق نمی‌گیرد و استناد دادگاه به ماده مرقوم و تعیین خسارت تأخیر تأدیه در این مورد صحیح نیست و حکم فرجامخواست در این قسمت نقض میشود و تجدید رسیدگی در مورد خسارت تأخیر تأدیه به شعبه دیگر دادگاه استان مرکز محول میشود»

به طوریکه ملاحظه میشود اختلاف عقیده قضائی راجع به خسارت تأخیر تأدیه پول خارجی تا مرحله دیوانعالی کشور هم رسیده و احکام معارض و مغایر در این خصوص صادر گردیده و رفع این اختلاف و ایجاد رویه قضائی واحد فقط با اجرای قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ میسر است تا موضوع در هیأت عمومی دیوانعالی کشور طرح شود و رأی لازم‌الاتباع هیأت عمومی دیوانعالی کشور باین اختلاف نظر خاتمه دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی